

مسکویه حکیم شیعی مذهبی ایرانی

دکتر ابوالقاسم پورحسینی استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی

در عصر خاندان بویه دانشمندان زیادی ظهور کردند از قبیل: یحیی بن عدی، ابوسلیمان منطقی و مسکویه و ادبانی مانند مد جرجانی و علمای نحوی چون ابن جنی و ابوعلی فارسی و ابن خالویه^۳ هر یک به سهم خود گامی در راه علم برداشتند. ادبیات در این عصر رونق بسیار داشت، دکتر زکی مبارک^۴ نویسندگان این دوره را از لحاظ سبک نگارش بسه دسته منقسم میکند. گروه اول نویسندگانی که به سجع میپرداختند مانند بدیع الزمان و صاحب بن عباد. دسته دوم به سجع و جز آن بیان مطلب مینمودند از قبیل ابن عمید و ابوحنان توحیدی و آمدی. گروه سوم کسانی که چون مسکویه و جرجانی بدون قید و آزادانه نگارش میکردند. نگارش ساده و روان و بدون

خمار به تحقیق و تتبع و افاضه و نشر آثار خود اشتغال داشتند^۲ و ابن مسکویه با این دانشمندان محاجه و مباحثه و مشاجره داشته و به نحوی باب انتقاد را بر وی گشوده‌اند. بطور کلی رشد فکری دانشمندان مولود جر و بحث و مباحثه و مذاکره آنها در محافل علمی و ادبی بوده است و خوشبختانه ابن مسکویه در قرن چهارم میتوانست در محافل و مجالسی که عضدالدوله دیلمی و ابن عمید و ابوسلیمان منطقی تشکیل میدادند حضور یافته به اظهار نظر و بیان افکار خود و استماع آراء دیگران بپردازد. در اوایل قرن پنجم بسیاری از بزرگان که تشکیل مجالس بحث میدادند وفات یافتند و میتوان گفت در این ایام ابن مسکویه بدون یاور و حامی ماند.

۱. نظری به عصر مسکویه

مسکویه در سال ۴۲۱ هجری مطابق ۱۰۳۰ میلادی وفات یافته^۱ و تاریخ تولد او منجزا مشخص نیست بنابراین دوره حیات وی از نیمه دوم قرن چهارم آغاز و به اوایل قرن پنجم ختم میشود. دوره ثمربخش زندگانی علمی وی در قرن چهارم بوده و قرن پنجم ایامی است که ابن-مسکویه بتدریس شاگردان و به رد آراء معاندین و مخالفان خود میپرداخته است.

کتاب تجارب الامم را در سال ۳۶۹ نگاشت و بدان کفایت کرد و قریب پنجاه سال که میتوانست آنها تمام کند متوقف ساخت. قرن چهارم عصری است که دانشمندانی چون ابوعلی سینا و ابوالفرج طبیب جاللیق، محمد بن-زکریای رازی، ابوریحان بیرونی، ابوالقاسم گرمسانی و ابوالخیر

۲ - تتمه صوان الحکمه، صفحه ۲۹ و ۳۲

۴ - کتاب النثر الفنی، جلد دوم، صفحه ۱۱۳

۱ - تاریخ پزشکی نزد عرب، صفحه ۴۵۹

۳ - کتاب ابن مسکویه، عبدالعزیز عزت، صفحه ۲۲

تکلف ابن مسکویه و مصاحبت و دوستی و مکاتبه وی با خوارزمی و بدیع الزمان همدانی و ابن عمید موجب گردید که علاوه بر سایر جنبه‌های فلسفی بتوان او را یکی از ادباء قرن چهارم دانست.

کتاب «الشوامل» را در رد کتاب «المهوامل» ابوحیان توحیدی نگاشت و کتاب جدیدی در قصص و حکایات نوشت که با حکایات و امثله سابق که صرفاً افسانه و قصه‌های عرب بود فرق داشت و میتوان گفت که مسکویه با تألیف کتاب «انس الفریده» راه دیگری در انشاد اساطیر و قصص عرضه داشت و آنرا از حدود جغرافیائی محدود عرب خارج کرد و بصورت یک هنر انسانی و جهانی درآورد و بطورکلی قصص جهان اسلام را جانشین افسانه‌های دنیای عرب ساخت.

مسکویه در شعر عربی هم مهارت داشت و شعر را در بحور کوتاه میسرود، هم مدح میگفت و هم هجو، از مدح چشم‌داشتی نداشت و غالباً در مدائح او آثار بی نیازی و استغنا هویدا است ولی به سرودن هجو بدان سبب میپرداخت که آنرا برای اصلاح اخلاق معاند خود ضروری میدانست و در هجو صاحب‌بن‌عباد قطعه‌ای جالب سروده است. در قرن چهارم علم پزشکی در بغداد و در بین پادشاهان آل‌بویه رواج داشت و عضدالدوله

بیمارستانی در بغداد بنا نهاد و دانشمندان زیادی به علم طب پرداختند بدیهی است مسکویه که در دربار پادشاهان و وزراء آمد و شد میکرد ناگزیر مطالعاتی در این زمینه داشته است و بطوریکه قفلی بیان میکند مسکویه کتابی بنام «الادویة المفردة» و کتاب دیگری به نام «ترکیب الباجات من الاطعمه» و همچنین کتابی بنام «جامع»^۶ داشته است.

علاوه بر علم پزشکی علوم ریاضیات و طبیعیات رونق داشت و بطوری که ابوحیان^۶ نقل میکند ابن مسکویه در پیشرفت این علوم نیز سهمی داشته است و آثار رازی و کتب جابر بن حیان را در کیمیا مطالعه کرده است و کتاب «المختصر فی صناعة العدد» را در ریاضیات نگاشت و به نقل شهر زوری ابن مسکویه کتابی بنام «العودین فی علم الاوائل» در علم طبیعیات و فلسفه برشته تحریر درآورد.

بطوریکه پیش از این گفتیم علت عمده پیشرفت ادب و علم و فلسفه در قرن چهارم وجود مجالس و محافل بود که از طرف پادشاهان و بزرگان تشکیل میشد و مهمتر از همه مجلس عضدالدوله بود بطوری که ابن مسکویه

میگوید: عضدالدوله مواجبی برای فقهاء و مفسرین و متکلمین و محدثین و شعرا و عالمان نحو و عروض و

پزشکان و ستاره‌شناسان و علمای حساب و هندسه برقرار ساخته بود و برای فلاسفه و حکماء جای مخصوصی در قرب جوار خود تشخیص داده بود که در آن به مفاوضه میپرداختند^۷ و از جمله این مجالس محفل ابن عمید و ابن سعدان بود که اهل ادب و علم و فلسفه بعزت و حرمت در آن راه داشتند و به افاده و استفاده مشغول بودند.

علاوه بر این مجالس که از طرف پادشاهان و وزراء تشکیل میشد از طرف فلاسفه و بزرگان علم نیز محافل علمی منعقد میگردد که مهمترین آنها مجلس ابوسلیمان منطقی و محفل یحیی بن عدی بود.

یکی دیگر از علل بسط علم و دانش در قرن چهارم وجود کتابخانه‌های مهمی بود که در آنها بروی دانشمندان گشاده بود مخصوصاً عضدالدوله بفرام آوردن هر نوع کتابی برآمد و کتابخانه معظمی در بغداد بنا نهاد و در همین ایام خلیفه‌العزیز کتابخانه بزرگی در مصر فراهم آورد و ابن عمید نیز کتابخانه معظمی تأسیس کرد و مسکویه را به خازنی آن گماشت (سال ۲۵۵ هجری) گویند کساح ابن عمید مورد دستبرد سارقین قرار گرفت چون ابن عمید بر این سرقهت وقوف یافت مسکویه را فراخواند و از وضع کتب استوال

کتاب جامع ابن مسکویه در دسترس نیست و از محمد بن زکریای رازی کتابی به همین نام در علم طب باقی مانده است.

۶- الامتاع والموانسه، جلد اول، صفحه ۳۵ - ۷- تجارب الام، جلد ششم، ص ۲۷۸

کرد و مسکویه به او اطمینان داد که کتب از دستبرد مصون مانده است ابن عمید از این پیش آمد خرسند گشت و گفت چه پیش آمد مبارکی است این، زیرا برای جبران خزائن میشود عوضی پیدا کرد ولی برای کتب همتائی یافت نمی شود.

۲. زندگانی مسکویه

از زندگانی مسکویه اطلاع فراوانی در دست نداریم و بطوریکه از نامه های خوارزمی^۸ به مسکویه برمی آید از خانواده شریفی بوده و مقام اجتماعی با ارزشی داشته و پدرش در سنین جوانی وی در گذشته و کفالت زندگی مسکویه بعهده مادرش قرار گرفته است پس از فوت پدر، مادرش بدون رضای وی در سن شصت سالگی ازدواج کرد و این ازدواج نامناسب در روحیه مسکویه اثر بارزی گذاشت زیرا سن داماد کم بود و بنا بقول ابو حیان^۹ پدرخوانده وی بجای برادر مسکویه بحساب می آمد، این ازدواج فقط بخاطر ثروت انجام شده بود.

تاریخ تولد مسکویه مشخص نیست زیرا نه مورخین قدیم و نه مورخین جدید به صراحت در این باره اشاره ای نکردند و حتی در تاریخ وفات او هم جای تردید باقی است.

مارگریوس سال تولد او را

۳۳۰ حدس میزند ولی عبدالعزیز عزت^{۱۰} معتقد است که وی در سال ۳۲۵ هجری تولد یافته و دلیل او این است که شهر زوری و خوانساری میگویند که او بهنگام جوانی در خدمت مهلبی وزیر بوده است و میدانیم که مهلبی در سال ۳۴۵ بوزارت رسیده و در این ایام حداقل مسکویه بایستی بیست ساله باشد لذا میتوان تولد او را سال ۳۲۵ هجری نگاشت.

وفات ابن مسکویه در سال ۴۲۱ یعنی در حدود نود و شش سالگی اتفاق افتاده است. حیات طولانی او موجب شد که بر حوادث کوچک و بزرگ خاندان آل بویه وقوف پیدا کند و با اغلب بزرگان آن خاندان مؤانست و مجالست داشته باشد و بهمین جهت کتاب «تجارب الامم» از بهترین و مهمترین منابع تحقیق درباره این حکومت است و بیشتر مستشرقین برای بررسی دز تاریخ این دوره از دولت عباسی به این کتاب مراجعه میکنند. و بر اثر تألیف همین کتاب است که شهرت مسکویه بنگارش تاریخ پیشتر از جنبه فیلسوف بودن او بوده است.

اسم و لقب او چنین است احمد بن محمد بن یعقوب، بعضی از مورخین قدیم مانند شهر زوری در تاریخ الحکماء و خوانساری در روضات او را ابن یعقوب ابن-

مسکویه گفته اند و بعضی از مورخین او را ابوعلی احمد بن محمد مشکویه که عربان آنرا مسکویه میگویند و مورخ ادبیات عرب بروکلیمان نام ویرا ابن مسکاوویه میخوانند^{۱۱}

بنظر میرسد ابن مسکویه درست نباشد زیرا مسکویه در اینجا نام جدش میشود و بنظر میرسد که مسکویه لقب او باشد نه اسم جدش. دلیل ما بر این قول گفته معاصران وی و مورخان نزدیک بوی از قبیل ابو حیان و ابوسلیمان منطقی و ثعالبی است که او را «احمد مسکویه بن محمد بن یعقوب» دانسته اند. کنیه او نیز ابوعلی است.

و این لقب معرب مشک فارسی است زیرا مسکویه ایرانی است^{۱۲} و علت تسمیه این است که وی مشک را دوست میداشته و در اشعار خود این کلمه را زیاد بکار برده است. بنا بر نقل یاقوت وی در آغاز امر زردشتی بود و بعد اسلام آورد و بنا بر بعضی اقوال دیگر، پدرش بدین اسلام درآمد.

عاملی در کتاب اعیان الشیعه مینویسد^{۱۳} که مسکویه را معلم ثالث میگفتند (ارسطو معلم اول و فارابی معلم ثانی) علت آنست که در تاریخ فلسفه اسلامی وی اولین کسی است که بحکمت عملی (اخلاق) پرداخته و او را در این زمینه ارسطوی عرب خوانده اند و

۸ - الرسائل، صفحه ۱۳۳
۹ - الامتاع، جلد اول، صفحه ۳۶
۱۰ - کتاب ابن مسکویه، صفحه ۲۹
۱۱ - تاریخ ایران، ترجمه کشاورز، صفحه ۲۳۹
۱۲ - اعیان الشیعه، جلد ۱۰، صفحه ۱۳۹
۱۳ - اعیان الشیعه، جلد ۱۰، صفحه ۱۳۹

تأثیر آراء ارسطو در وی زیاد است چنانکه عبدالعزیز عزت میگوید مسکویه نه تنها تحت تأثیر ارسطو بوده بلکه آراء افلاطون هم در او تأثیر وافر داشته است. کتیه او بوعلی است و چون مسکویه شیعی مذهب است ۱۴ اختیار این کتیه از آنجا که متضمن نام «علی» است موجب شرف و تعظیم اوست و آنکمی مصاحبت و همدمی وی با آل بویه که همگی پیرو تشیع بوده اند مؤید صحت این نظر است و در آثار او دلائل بارزی بر تشیع دیده میشود بطوریکه در کتاب تهذیب در مقاله چهارم جانی که بر پیغمبر درود میفرستد بر حضرت علی نیز درود میفرستد و همچنین در مقام نبوت میگوید «امام معصوم است و این امام «علی» در جمیع امور شرکت دارد مگر در پیغمبری». در جای دیگری از کتاب تهذیب که درباره مزاح بحث میکند میگوید «حضرت علی مطایبه را دوست میداشت و در بیانات شیوای خود گاهی آنرا بکار میبرد. تولد مسکویه در شهر ری بوده است ۱۵ راجع به تحصیل و تربیت او و نام استادان وی اطلاع درستی نداریم ولی میدانیم که در آن ایام کودکان را بمکتب می سپردند و ابتدا صرف و نحو و قرآن و تفسیر و معانی و بیسان

سپس فقه و حدیث و تاریخ (عرب و عجم) و ریاضیات میآموختند. حلقه های درس در مساجد یا در منازل تشکیل میشد میتوان گفت مسکویه استادی جز کتاب نداشته و شغل کتابداری در دربار بویه بر شد فکری او کمک فراوان کرده است. ابوحیان ۱۶ میگوید مسکویه در اوائل امر بمطالعه کتب محمد بن زکریای رازی و جابر بن حیان برای وقوف بر صناعت کیمیا پرداخت و در آن روزگار پرداختن به کیمیا بخاطر علم نبود بلکه اشتغال بدان به انگیزه دست یافتن بر سیم و زر بوده است. ولی از طرفی میدانیم که منظور وی از این علم جلب مال نبوده چه وی در تهذیب اخلاق میگوید جمع مال طلا و نقره مانند زهرهائی است که باید از آنها اجتناب کرد ۱۷. مسکویه از آثار فلسفی که در نهضت ترجمه در دوره اموی به غربی درآمده از جمله بعضی از آثار افلاطون و ارسطو و جالینوس استفاده کرده است ۱۸ و از آثار افلاطون کتاب نوامیس را بدقت مورد توجه قرار داد ۱۹ (این کتاب وسیله حنین بن اسحق و یحیی بن عدی بعبری ترجمه شده بود) ۲۰ و بنظر میرسد که کتاب جمهوری را که حنین بن اسحق بعبری برگردانده بود مطالعه کرده باشد

زیرا تقسیم قوای سه گانه نفس (عقله - غضبی - شهوی) و مقر آنها در سه عضو بدن (سر - سینه و کبد) که در آثار مسکویه دیده میشود مأخوذ از آن کتاب است و همچنین بحث مسکویه از ماهیت نفس و جاودانگی آن دلالت دارد بر اینکه کتاب فتن را دیده باشد. این کتاب بوسیله عیسی بن زراعہ بعبری ترجمه شده بوده است. مسکویه در کتاب تهذیب صفحه ۱۰۸ چاپ مصر میگوید که «من بوسیله ترجمه های ابو عثمان دمشقی بر تعالیم فلاسفه گذشته مخصوصاً ارسطو وقوف حاصل کردم». عاملی در اعیان الشیعه ۲۱ میگوید بنظر من اول کسی که فلسفه عملی ارسطو را مورد بحث قرار داده مسکویه بوده است. مسکویه زبان یونانی را نمیدانسته و خود در التهذیب بدین معنی اشاره میکند و میگوید که علاوه بر مطالعه کتبی که از یونانی بعبری ترجمه شده بوده است آثار کندی ۲۲ و فارابی را نیز مطالعه کرده است. زیرا کتب یونانی بسیاری در کتابخانه ها در دسترس وی قرار داشته است بطوریکه در تجارب الام میگوید بسیاری از وزراء و پادشاهان و امراء که شهرت و افری در دانش داشتند

۱۴ - صاحب ریاضی العلماء او را شیعه میدانند

۱۶ - الامتاع، جلد اول، صفحه ۲۳۵

۱۸ - معجم الادباء، جلد اول، صفحه ۵

۲۰ - قطبی، صفحه ۲۴

۲۲ - التهذیب، ۲۲۱ و ۲۲۲

۱۵ - روضات الجنات خوانساری، صفحه ۳۶

۱۷ - تهذیب الاخلاق، صفحه ۷۵

۱۹ - دایر المعارف اسلامی، مقاله افلاطون

۲۱ - جلد دهم، صفحه ۱۳۹

تنها به فصاحت و وطنطنه الفاظ اکتفا نکردند بلکه اشتیاق زیاد به کتب یونانی داشتند بخصوص ابن عمید که اشتیاق زیادی بجمع-آوری کتب داشت و کسانی را برای خرید نسخه‌های نایاب کتابهایی که بزبانها دیگر نوشته بود باطراف میفرستاد.

مسکویه از ارسطو مکرر در کتابهای خود یاد میکند و مهمترین اثری که در او نافذ بود اخلاق نیکو ما خس است که به عربی ترجمه شده بود ولی درباره مترجم آن اختلاف نظر پیدا شده است قفطی میگوید که ترجمه از حنین ابن اسحق و ابن ندیم صاحب الفهرست آنرا منسوب به اسحق بن حنین میدانند و شاید روایت ابن ندیم به صحت نزدیکتر باشد زیرا میگوید «نزد زکریا یحیی بن عدی قسمتهائی از این کتاب با تفسیر طامستیوس بخط اسحق حنین موجود است ولکن کویک میگوید مترجم این کتاب از یونانی به عربی ابن خمار است.

در هر صورت کتاب اخلاق نیکو ماخس بزبان عربی از نظر مسکویه گذشته و در تالیف التهذیب تأثیر داشته است ۲۴. از کتب دیگر ارسطو که مورد مطالعه مسکویه قرار گرفته کتاب النفس است چه خود در کتاب فوزالاصغر میگوید کتاب النفس ارسطو را مطالعه کردم و این

کتاب بوسیله اسحق بن حنین به عربی ترجمه شده بوده است و همچنین در کتاب التهذیب اشاره به مطالعه کتاب مقولات (قاطیغوریاس) که حنین به عربی برگردانده بوده است مینماید و نیز در «التهذیب» میگوید کتاب اخلاق جالینوس را در اخلاق خوانده بوده است. اصل کتاب متأسفانه در دست نیست و بوسیله حبیش به عربی ترجمه و در چهارم مقاله بوده است ۲۴ خلاصه‌ای از کتاب «فی تعرف المرء عیوب نفسه» جالینوس و همچنین ملخص کتاب «انتقاع الاخیار من اعدائهم» را که در یک مقاله بوده و حبیش آنرا ترجمه کرده بود در تهذیب می‌بینیم.

علاوه بر آثار یاد شده بطوریکه مسکویه در التهذیب و فوزالاصغر میگوید آثار فروریوس و اسکندر افرویدی و بروقلس و طامستیوس را نیز مطالعه کرده است. مسکویه بنا به نقل ابوحیان ۲۵ از محضر یحیی بن عدی (وفات ۳۶۴) استفاده کرده است و علاوه بر وی دانشمندان دیگری چون ابن زراعه و ابن خمار در مجالس درس یحیی بن عدی حضور می‌یافتند یحیی فلسفه را از فارابی و بشر بن متی آموخته و مؤلفات وی بالغ بر پنجاه کتاب بوده است بنا به نقل ابوحیان ۲۶ یحیی بن عدی دارای کتب متعددی بوده است از جمله کتابی بنام تهذیب الاخلاق و تحت تأثیر

ارسطو بوده است ولی عبدالعزیز عزت ۲۷ معتقد است که تحت تأثیر افلاطون قرار گرفته بوده است و ابوسلیمان منطقی آراء فیثاغوریان را در کتاب وی بی‌تأثیر نمیداند ۲۸ هر چند مطالعات عمیق فلسفی مسکویه را برای تنظیم و تدوین آثار فلسفی آماده میساخت و هر چند تا حد کمی در حکمت طبیعی و الهی آراء خود را در کتب متعددی اظهار داشته و هر چند به حد کافی در حکمت عملی (اخلاق) حق مطلب را ادا کرده است ولی باید در نظر داشته باشیم که وی صاحب تالیفی گرانبهاست در تاریخ بنام «تجارب الامم» که اثری بزرگ در شش جلد در تاریخ عمومی عالم است.

نخستین مجلدات این اثر ماخوذ از دیگران است و بر پایه اطلاعات و منابع ادوار قدیمتر و بخصوص نوشته‌های طبری میباشد ولی در شرح وقایع بعد از سال ۳۰۰ هجری یعنی از مجلد پنجم بعد اثر خود وی و اصیل و واجد درجه اول اهمیت است. وی نه تنها از تاریخ‌های موجود زمان خویش استفاده کرده بلکه از اسناد و بایگانی‌های حکومتی نیز بهره گرفته است و برخلاف مؤلفان پیش از خود بشرح وقایع اهمیت و اهمیت وقایع را درک و بیان کند ۲۹. علت اینکه مسکویه اسم کتاب

۲۳ - اعیان الثیبه، جلد ششم، ص ۴۰۸

۲۵ - الفهرست، صفحه ۴۰۵

۲۷ - یحیی بن عدی فیلسوف غرب سنیعی در قرن ۱۰، چاپ پاریس، ۱۹۴۰، صفحه ۲۱۷

۲۸ - کتاب ابن مسکویه، صفحه ۳۵

۲۴ - الفهرست، صفحه ۳۵۲

۲۶ - الامتاع، جلد سوم، صفحه ۳۷

۲۹ - تاریخ ایران، ترجمه کشاورز، صفحه ۲۳۹

تاریخ خود را تجارب الامم گذارده این است که او اعتقاد دارد که انسان با گذشت و تحول زمان و تاریخ پندهائی میگیرد که او را براه راست رهنمون میشود و او را از لغزش در سیاست و سایر مسائل حیاتی باز میدارد.^{۳۰}

مسکویه در اثر تاریخی خود بیشتر استناد به اخبار طبری میکند وقایع را مانند طبری برحسب سنوات ذکر مینماید و از آغاز طوفان نوح تا سال ۳۶۹ هجری را شرح میدهد. هر چند مورخین برای وقوف بر اخبار ملل و نحل رنج سفر را بر خود تحمیل میکردند ولی مسکویه بمطالعه کتب اکتفا میکند و میگوید برخلاف سنت جاری که جغرافی دانان و مورخین برای کسب اطلاعات بار سفر می- بستند من از مجالس امراء و وزراء و علماء استفاده کرده ام و بسیاری از بزرگان فکر و صاحبان آراء را ملاقات کردم و این امر مرا از مسافرت به نقاط دور دست بی- نیاز کرد و معلم و استاد من کتاب و تجارب شخصی و ملاقات با مردم گوناگون بود.

کثرت مجالس وی در محضر محمد بن المہلبی وزیر معزالدوله و ابن عمید و خدمت و حضور و ندیمی عضدالدوله و سپس مصمص الدوله موجب گردید که مطالب بسیاری از حضار بشنود و بخاطر بسپارد و بعد بزین نگارش در آورد و به حق بطوری که خود در تجارب

الامم آورده است «اکثر آنچه که من حکایت میکنم از منابعی است که در صحت آن شك ندارم بمانند اینکه من خود ناظر و شاهد بوده باشم» آنچه را درباره تاریخ دیالمه ذکر میکند مستند و در خورایقان است.

•••••
درباره خصوصیات اخلاقی و روحی و صفات و کمالات مسکویه دانشمندان معاصر وی آرائی ابراز داشته اند که نقل آنها برای شناخت شخصیت او خالی از فایده نیست از جمله ابوحنیفان در کتاب الامتاع در دوران جوانی او را مردی عاجز و غیر عادی و در پیری او را خوش بیان و خوش برخورد دانسته و میگوید که او «مرجمی در فلسفه است و پیوسته به فلسفه اشتغال دارد».

در جای دیگر ابوحنیفان مسکویه را بسیاری بخیل میدانسته است و روایت میکند روزی با مسکویه ملاقات کردم او از عطائی در حدود هزار دینار که ابن عمید به شخصی داده بود انتقاد میکرد و میگفت متوجه هستی و می بینی که ارباب ما (ابن عمید) چگونه بناحق و بغیر مستحق بذل مال میکند و قدر مال را نمیداند. من بساو گفتم اگر ابن عمید درباره تو چنین عطائی مینمود و یا حقی بیشتر از آن می بخشید آیا تو او را مبذر میدانستی یا کار او را در نهایت کمال میپنداشتی؟ و به او گفتم

تو که داعیه دار حکمت و اخلاق هستی متوجه باطن خود باش و بر بدی خود آگاه باش^{۳۱}. نظر ابوحنیفان درباره بخل مسکویه صحیح بنظر نمیرسد، بدو دلیل نخست اینکه مسکویه در زندگانی موفق بوده و در دربار سلاطین و وزراء مرفه میزیسته ولی ابوحنیفان تقرب وی را نداشته و شاید متصف کردن مسکویه به بخل از راه حسد باشد، دوم اینکه مسکویه در چند مورد در کتاب التهذیب بخل را ذم نموده است.

خوانساری در روضات الجنات درباره مسکویه میگوید: «او حکیمی ماهر و استادی بزرگ و از جمله علماء و ارکان حکماء و دارای مراتب عالی و درجات رفیع و اخلاق پسندیده و بیان شیوا بوده است^{۳۲} تعالی درباره وی چنین میگوید وی در بلندترین درجات فضل و ادب قرار داشت.

بیهقی گوید بین ابن سینا و مسکویه مشاجره ای در گرفته است و گوید ابوعلی سینا در مجلس درس بوعلی مسکویه رفت و گردویی در میان مجلس افکند و گفت مساحت این گردو را به شعیرات تعیین کن. مسکویه جزوی چند از اخلاق پیش او افکند و در پاسخ او گفت . . . اما تو نخست خلق خود را اصلاح کن تا من مساحت گردو را استخراج کنم زیرا توبه اصلاح اخلاق خود محتاج تری تا من به تعیین مساحت این

۳۰- تجارب الامم، جلد دوم صفحه ۳۰۳، سال ۳۶۲ هجری

۳۱- الامتاع، ص ۳۶ و ۱۳۶

۳۲- روضات الجنات، صفحه ۲۳۶

مسکویه اشعاری بعد از مرگ صاحب بن عباد در هجو او سروده است و ثعا لیبی از ذکر آنها در کتاب تمته الیتیمه به اعتبار زشتی الفاظ خودداری کرده است اما نمیتوان برای هجای مسکویه خرده گرفت زیرا او معلم اخلاق است و در وصایای خود که از قرآن و حکمت الهی سرچشمه گرفته نمیتوانسته است از صاحب عباد که دارای صفات ذمیه‌ای بوده بگذرد.

اینک بی‌مناسب نیست وصیت مسکویه را که برای اصلاح حال خویش و دیگران نوشته است نقل نمائیم تا بخوبی بخصوصیات روحی و اخلاقی وی آگاهی پیدا کنیم «بنام خداوند بخشایشگر مهربان این پیمانی است که احمد بن محمد با خویشان بسته در روزی که در گوشه خانه خویش سالم و ایمن نشسته و از قوت روزانه بهره‌مند است. در اعتقاد این پیمان هیچ الزام نفسانی وجود ندارد محرك او در تنظیم این پیمان انزوا و هجران نیست و نمیخواهد بدان مردمان را بفریبد و یا جلب منفعت و یا دفع مضرتی کند. پیمان بسته که با نفس خویش مجاهده کند و در سر درون خود به غور پردازد تا اینکه عقیف و شجاع و حکیم گردد. نشانه عفت آن است که در نیازمندیهای بدن راه اعتدال در پیش گیرد تا اینکه غلبه آزمونجوب زیان جسم و انعدام جوانمردی وی

نگردد و نشانه شجاع بودن او آن است که با انگیزه‌های زشت نفس خویش به بیکار برخیزد تا اینکه شهوات پلید بر او چیره نشود و خشم بی‌هنگام باو دست ندهد و نشانه حکمت او آن است تا در اعتقاد خود نظر افکند تا اینکه کسب دانش و علومی که باندازه توانائیش میسر است از او فوت نگردد تا اینکه بدانها نفس خویش را تهذیب و اصلاح کند و از این مجاهده برای وی نتیجه‌ای که عبارت از عدالت باشد حاصل شود و او پیوسته باین وصیت و سعی در انجام آن و رفتار بدان که در پانزده باب است توسل جوید که برگزیدن حق بر باطل در اعتقادات - انتخاب صدق بر کذب در گفتار - ترجیح خیر بر شر در اعمال - سعی دائم در بیکار مداوم با نفس - توسل به شریعت و جوب فرائض آن - وفای به عهد که اول آن پیمان میان من و میان پروردگار عزوجل است - عدم توقع از مردمان، دوستی زیبا بخاطر زیبایی نه امر دیگر - خاموشی بهنگام اراده نفس به سخن گوئی جهت استعانت از عقل - ممارست و مداومت در حالات نیک نفسانی تا هنگام تبدیل آنها به ملکه - اقدام بهرامری که صحیح باشد - غنیمت دانستن عمر تا به امور خطیر بگذرد نه جز آن - نداشتن خوف از مرگ و فقر - ترك سستی و عدم توجه بگفتار

بدکاران و حسودان تا اینکه اشتغال به افعال و انفعال آنها پیدا نشود و تحمل پذیری در غنا و فقر و در بزرگواری و پستی و یاد بیماری در سلامتی و یاد غم و الم در شادی و رضامندی و خشنودی هنگام غضب تا اینکه سرکشی و ظلم کم شود - تقویت آرزو و امیدواری و اعتماد به پروردگار - عز و جل و صرف کردن تمام سرمایه هستی در راه او ۳۴ بطوری که از شرح حال مسکویه برمیآید در عنفوان جوانی در نعمت و آسایش و رفاه میزیسته و شاید در ماکول و مشروب و ملبوس و مرکوب و خدم و حشم به روش ندماء و ملازمین وزراء و سلاطین میرفته و خواه - ناخواه به منکر و مسکرمی پرداخته و سپس بخود آمده و بیدار شده و ترك هوی گفته و هوای نجات در سرش افتاده و بنا بر آنچه که گذشت با خود پیمان بسته است که راه هدی در پیش بگیرد و دلیل این امر گفته خود اوست.

اینک بجاست که نصیحت نامه وی را بنا به قول ابوسلیمان منطقی ۳۵ برای حسن ختام این فصل نقل نمائیم.

«ای جوای حکمت قلب خود را برای حکمت پاک کن و عقل خود را برای قبول آن مهیاساز و همت خویش را برای امعان نظر در آن بکار ببر زیرا حکمت بزرگترین موهبتی است که پروردگار آنرا به بندگان خویش ارزانی فرموده

۳۴ - مقدمه ذیل تجارب الامم، چاپ مصر ۱۹۱۶، صفحات ۷ و ۸

۳۳ - تمته الیتیمه جلد اول صفحه ۹۶

۳۵ - منتخب صوان الحکمه در کتاب خطی در دارالمکتب تحت شماره ۲۶۶۳ صفحه ۱۱۶

و بهترین موهبتی است که با اعطاء آن بدوستان خود آنها را گرامی داشته است.

می بینیم چون کسی بخواهد در زمین خود نهالی بنشانند نخست گیاههای هرزه را از بیخ برمی کند و سپس نهالهای نیک را انتخاب

مسکویه یکی از نویسندگانی است که دارای تالیفات متعددی در فلسفه و تاریخ و پزشکی و ادبیات و ریاضیات و طبیعیات است کثرت تالیفات و تنوع موضوعات آنها دلالت بر تبحر او در زمینه های مختلف فلسفی و علمی و ادبی میکند. خوانساری میگوید او کتب ۳۶ بشمار در علوم اوائل نگاشت و او منقذی است که وقوف کاملی بر اثر گذشتگان و لغات مهجور دارد ابن خلکان درباره کتاب تاریخی او میگوید تجارب الامم کتاب مشهوری است در تاریخ که در دسترس همگان قرار گرفته است.

مورخین و دانشمندانی که آثار و تالیفات مسکویه را برشمرده اند از قدما القفطی ۳۷، ابوسلیمان منطقی ۳۸ و شهر - زوری ۳۹ و عاملی ۴۰ و از علمای اخیر باسه Basset و بروکلیمان و ریتز Ritter و عاملی ۴۱ درباره آثار تحقیق کرده اند. فرق بین تحقیق قدما و متأخرین این است

میکند و بکاشتن آن میبردازد و همچنین است وظیفه کسی که میخواهد در جستجوی حکمت برآید و به اندوختن آن اشتیاق دارد پس شایسته است که ابتدا زنگ اصداد را از آئینه دل بزدايد و قلب خود را از هوس و شهوات مہلک از

آثار و تالیفات مسکویه

که آثار قدما دارای نظم و ترتیب نیست ولی متأخرین با روش علمی باحصاء آثار وی پرداخته اند و ترتیب نظم و تبویب و حتی موضوعات کتب را مشخص کرده اند.

آثار موجود مسکویه بر دو نوع است چاپی و خطی، که تعدادی از کتب و آثار وی متأسفانه مفقود شده و پس از احصاء آثار خطی و چاپی راجع به تالیفات مفقود شده بحث خواهیم کرد.

الف - آثار خطی

۱- رساله خطی درباره لذات و آلام که در شش صفحه بقطع متوسط با خط بد در کتابخانه زاغب پاشا در مصر بشماره ۲۶۰۶۳ ضبط شده است. مسکویه در این کتاب لذات را عبارت از فقدان الم میدانند و میگوید لذات پس از آلام حاصل میشود و این تعریف را از محمد بن زکریای رازی اقتباس نموده است ۴۲ و

قبیل حقد و حسد و خودکامی و غضب پاک کند و چون قلب از این رذائل منزه گردید تا آنجائی که استطاعت و توانائی دارد به سوی حکمت روی آورد.

لذات را بدو قسم حسی و عقلی تقسیم میکند و لذات جسمانی را پنج قسم میداند (خوردنیها آشامیدنیها - آمیزشی - پوشیدنیها بوئیدنیها) و این لذات دنیوی را بطوری که حضرت علی علیه السلام ذکر فرموده و مسکویه وی را فیلسوف اسلام میدانند چنین بیان فرماید «بهترین خوردنیها عسل است فرآورده زنبور - بهترین آشامیدنیها آب است که بی ارزش تر است از همه چیز و بهترین پوشیدنیها ابریشم است که از آب دهان گرم بدست میآید. بهترین بوئیدنیها مشک است که از خون ناف آهو است و بهترین آمیزشها جمع دو عضو دستگاه دفع است و از دیدنیها و شنیدنیها ذکری بمیان نمیآورد.

مسکویه در این رساله از لذات عقلانی نیز بحث میکند و میگوید چون انسان از امور طبیعت پرهیز کرد و نفس وی تلطیف شد به تجربه و علو نظر میرسد. او میگوید چه بسا نفس نیرومند و

۳۶ - روضات الجنات صفحه ۳۶ و ۳۷

۳۸ - صوان الحکمه صفحه ۱۱۵

۴۰ - اعیان النبیعه جلد ۱۰ صفحه ۱۴۴

۴۲ - رسائل فلسفیه استاد کروس صفحه ۱۴۴

۳۷ - تاریخ الحکماء ص ۷۶

۳۹ - مقدمه لغز قابس صفحه ۵

۴۱ - اعیان النبیعه جلد ۱۰ صفحه ۱۴۴

بی‌نیاز از امور طبیعی میشود و عیوب و نقائص خود را درمی‌یابد و دیدگان خود را متوجه عقل فعال میسازد و با او متحد میشود. عقل فعال او را یاری و بینش وی را زیاد میکند پس صورالهی را که شیفته آن بوده است مشاهده میکند و اشتیاق و کشش بسوی آن پیدا میکند در این مرحله جسم و ماده و کیف و کم و آهنک و نغمه‌ای درمیان نیست سکون تام و لذت تمام حاصل میگردد و در این حالت چون نفس به مطلوب خود رسید عاشق و معشوق یکی میشود هم عاشق است و هم معشوق.

چه بسا منظور مسکویه از لذات خدای یگانه باشد که او خیر مطلق است، میگوید لذت کامل عبارت از این است که عاشق کامل به معشوق کامل با ادراک کامل عشق بورزد. ادراک کامل عقلی و معشوق کامل خیر مطلق است و عاشق کامل کسی است که از هر چیز جز معشوق چشم‌برگیرد و جز بیک معشوق عشق نورزد و شریفترین و کاملترین لذات حاصل کسی میشود که با عقل، ادراک خیر مطلق میکند و این چنین کسی بذاته عاشق خویشتن است لاغیر.

در پایان این رساله مسکویه به نتیجه بسیار مهمی میرسد و آن این است که خدای تعالی بهجت

و لذت مطلق است برای این که او خیر مطلق است و او بزرگترین لذت است زیرا که او جز بخود نمی‌اندیشد و او بذاته معشوق است و چیزی را خارج از خودش دوست نمیدارد. در این رساله تأثیر آثار فکری پلوتن (افلوپین) کاملاً بچشم میخورد.

دوم - رساله در طبیعت (رسالة فی الطبیعة) که بسیار مختصر است ۴۳ در این کتاب از جواهر طبیعی و اقسام آن (بسیط و مرکب) بحث میکند. جواهر بسیط یا جواهر عنصری است اسطقسات اربعه (خاک و آب و باد و آتش) و یا جواهر غیرعنصری که عبارت از اجرام سماوی و افلاک و کواکب باشند و جواهر مرکب یا نباتی است یا حیوانی برای هر یک از آنها حرکات خاصی است و این حرکات عبارتند از حرکت در مکان و حرکت در کم و حرکت در کیف.

۳- رساله در بحث از جوهر (رسالة فی جوهر النفس والبعث عنها) این رساله هم مختصر است ۴۴ مسکویه میگوید چون نفس در میان سایر موجودات گوناگون باعتبار اینکه علت حرکت و حیات است دارای اهمیتی فوق‌العاده است لذا باید به علمی که مربوط بدان است (علم النفس) اهتمام وافی مبذول شود. این علم بر سایر علوم برتری دارد زیرا

بر انسان لازم است که قبل از شناسائی هر چیز دیگر خود را بشناسد. سپس مسکویه این رساله را مطرح میکند که آیا نفس جوهر واحدی است که شامل قوای متعدد است که بصورت وحدت مینماید. سپس به آراء فیثاغوریان درباره برتری عدد هفت بر سایر اعداد و بالاخره به عقاید افلاطون و ارسطو درباره اجرام فلکی و سماوی اشاره میکند.

۴- «من کتاب العقل والمعقول» که در مجموعه راغب پاشا در استانبول ضبط است و بیش از یک صفحه و نیم نیست.

۵- مقالة فی النفس والعقل ۴۵ پاسخی است بر مسائلی که درباره ادراک بسیط پرسش میکنند عقل جز کلیاتسی را که در راه درک جزئیات بوسیله حواس حاصل میشود نمیتواند درک کند و جزئیات تا بصورت کلی درنیابند قابل ادراک نیستند بنا بر این وثوق بر هر یک از ادراکات جزئی و کلی موقوف بر اعتماد به حس و عقل است و این چگونه است.

۶- فی اثبات الصور الروحانية التي لاهیولی لها ۴۶ در این رساله در اثبات صور روحانی بحث میکند و در نتیجه امور را سه قسم منقسم میکند. جسمی که مرکب از صورت و هیولی است اموری است که فقط دارای صورت است، علتی که بالای او علتی نیست و فاقد

۴۳ - در مجموعه راغب پاشا صفحه ۵۹ ب و ۶۰

۴۵ - مجموعه راغب پاشا صفحه ۶۹

۴۷ - مجموعه راغب پاشا صفحه ۸۹

۴۴ - مجموعه راغب پاشا در استانبول صفحه ۶۰ و ۶۱

۴۶ - مجموعه راغب پاشا صفحه ۸۹

صورت و هیولی است و آن علت
العلل است.

۷- تعریف المسکویه تمیز بین
الدهر والزمان ۴۷ در این رساله فرق
دهر و زمان تعریف میشود.

۸- جواب مسکویه به ابوحیان
الصولی درباره حقیقت عدل.

۹- الجواب فی المسائل
الثلاث ۴۸.

۱۰- کتاب طهارة النفس. این
کتاب که تاریخ کتابت آن در سال
۷۰۲ است ذیل نام علی مسکویه
ذکر شده و دارای شش مقاله
است ۴۹ همان کتاب تهذیب الاخلاق
است هر چند تهذیب الاخلاق
دارای هفت مقاله است.

۱۱- مجموعه رسائل شامل
فلاسفه شرق و یونان که در
لیدن و اکسفورد موجود است و
شامل رساله لغز قابس نیز
میباشد.

۱۲- کتاب خطی در کتابخانه
اسکریال اسپانیا منسوب به

مسکویه شامل وصایای طلائی
فیناغورسیان همچنین رساله لغز-
قابس و شرح ابوالفرج بن طبیب
بر آن.

۱۳- جاویدان خرد، نسخه
خطی آن بر حاشیه کتاب «نزعة -
الارواح و روضة الافراح» شهرزوری
است این نسخه در کتابخانه
دانشگاه مصر به شماره ۴۱۷ ضبط
است صفحات آن قابل خواندن
نیست ولی این نقص را نسخه
خطی دیگری که آنرا عاملی در
اعیان الشیعه نشر کرده تکمیل
میکند و این کتاب شامل است بر
حکمت های ملل هندو روم و عرب
و ایران اهمیت این کتاب در آن
است که دو رساله در بخش
فلسفه عرب از فارابی و عامری
در آن موجود است و وجود این
دو رساله در این نسخه اهمیت
بسیار دارد زیرا تا حدود زیادی
قول دی بور ۵۰ را که مسکویه
بخصوص آراء خویش را از کندی

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

برمال طبع علوم انسانی

گرفته و فقط ازو متأثر شده باطل
مینماید و صراحتاً گفته ابوحیان
را که مسکویه به افکار عامری
توجه نداشته تکذیب میکند.

۱۴- نصیحت مسکویه لطالب
الحکمه ۵۱، این وصیت در نسخه
خطی منتخب صوان الحکمه
ابوسلیمان منطقی در صفحه ۱۱۶
قید شده است ۵۲.

۱۵- فصل دیگری از کلام
مسکویه در نسخه خطی ابوسلیمان
منطقی بدنبال همان وصیت مذکور
است. در این فصل مسکویه از
معنی دعا و ماهیت آن که عبارتست
از خلوص باطن و معطل گذاشتن
حواس ظاهر و توجه کامل باطنی
که در آن حالت حل امور معضل
عقلانی آسان میشود. زیرا انسان
در این تأمل از تأثیرات ماده
خلاص میشود و برعکس در معانی
مجرد، مستغرق میگردد.

۴۸- این رساله در مشهد موجود است
۵۰- تاریخ الفلاسفه فی الاسلام
۵۱- این وصیت نامه در صفحه ۹ این رساله ترجمه شده است.
۵۲- کتب فلسفی مضبوط است
۵۳- کتاب خطی موجود در دارالمکتب المصریه شماره ۲۶۶۳